

کنجینه های سرگردان

## میراث محرم



نمونه ای از منبرهای چوبی و شمعدان‌ها و قندیل‌های مسی مربوط به آیین پانزدهی گرگان

محرم و صفر در مذهب تشیع، به اعتبار واقعه‌ی کربلا، از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. شیعیان همواره در طول تاریخ در این دو ماه و به ویژه ماه محرم، در تلاش و تکاپو برای تعظیم واقعه‌ی کربلا بوده و به همین مناسبت سرزمین‌های شیعی در این ایام حال و هوای متفاوتی به خود می‌گرفته و می‌گیرند. پس از روی کار آمدن حکومت صفوی و علنی شدن مذهب شیعه در ایران، واقعه‌ی عاشورا به عنوان سرمشق جهاد و پیکار با ظلم و فساد، مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این؛ مناسک آیینی مربوط به محرم، این قابلیت را داشت که به بزرگترین ابزار تبلیغات مذهبی تبدیل شود. به همین روی برگزاری آیین‌های عاشورایی بین ایرانیان شیعه همواره پررنگ و پررنگ‌تر می‌شد. مردم ایران که عشق، علاقه و وابستگی

خاصی به امام حسین (ع) داشتند، این ایام را غنیمت شمرده، با انفاق ملک و مال خود در راه اجرای مناسک واقعه‌ی محرم، خود را در صف یاران آن امام بزرگوار می‌دیدند. چنان‌که از دوره‌ی صفویه به بعد، اوقاف در ایران موضوعیت تازه‌ای پیدا کرد و بیشترین حجم موقوفات به برگزاری این مناسک اختصاص یافت. هرکس به اندازه‌ی وسع و توان خود در این راه انفاق می‌کرد تا این مناسک به قوت هرچه بیشتر برگزار شود. طولی



نمونه‌ای از پنجه‌های نقره‌ای دارای وقف‌نامه مورخ ۱۳۱۵ق، مربوط به آیین توق بندان گرگان

نکشید که اثرات بزرگ‌تر و مشهودتری از این عشق و علاقه‌ی مردمی پدیدار شد.

اندک‌اندک چهره‌ی شهرها و روستاها تغییر کرده و پس از مدت کوتاهی شهرهای اسلامی، شکل و شمایل شهر شیعی به خود گرفتند. به گونه‌ای که اماکن مختص به اجرای آیین‌های عاشورایی، به یکی از مهمترین عناصر شکل‌دهنده‌ی ساختار شهرهای شیعی تبدیل شدند. جدای از اماکنی که مختص برگزاری این آیین‌ها بودند، بسیاری از مالکان خرد و کلان، املاک و اراضی تحت تصرف و تملک خود را به منظور تأمین منابع مالی این مناسک وقف کردند و تعداد کثیری از بناهای مسکونی و تجاری شهرها و روستاها در ایام محرم و صفر به

این امر اختصاص یافتند. صرف نظر از انفاق ملک و مال، تمامی اشیاء و لوازمی که به منظور برگزاری این مناسک مورد نیاز بود، از طریق مردم تهیه و وقف می شد. هرکدام از واقفین به اندازه‌ی توان مالی خود سعی داشتند بهترین‌ها را وقف بر آیین سوگواری امام حسین(ع) بکنند. چنان‌که امروزه اغلب این اشیاء و لوازم جزو نفایس آثار تاریخی محسوب می شوند. از دیگر سو استادکاران ماهر و چیره دستی که این اشیاء را می ساختند، وقتی از نیت سفارش دهنده آگا می شدند، نهایت هنر و خلاقیت خود را در خلق این آثار به کار می بستند. چنان‌که امروزه در گوشه و کنار حسینیه‌ها، تکیه‌ها، مساجد و برخی خانه‌ها، نمونه‌های زیادی از این آثار به چشم می خورد، که بعضاً در نوع خود منحصر به فرد بوده و به نوعی، اسناد گویای تاریخیچه‌ی هنرها و صنایع دستی به حساب می آیند. علاوه بر این، وجود وقف‌نامه‌هایی



نمونه‌هایی از پنجه‌های مسی دارای وقف‌نامه مورخ ۱۳۰۴ ق، مربوط به آیین توقی‌بندان گرگان

که بر اغلب این اشیاء نقش بسته، آن‌ها را به نوع خاصی از اسناد مکتوب تاریخی تبدیل کرده است. چه بسا برخی از متون مختصر و موجز وقف‌نامه‌های اشیاء، تنها سند مکتوب از یک موضوع تاریخی باشد. اما چون امروزه مسئله‌ی وقف با مشکلات شرعی، حقوقی و اعتقادی متعددی همراه شده، این آثار نیز با مشکلات و خطرهایی روبرو هستند و اغلب در جریان بلاتکلیفی

حاصل از سوء مدیریت مسئولین و متولیان، سرنوشت آن‌ها نامشخص و در حاله‌ای از ابهام است. اشیاء و آثار تاریخی متعلق به برگزاری آیین‌های عاشورایی و امثالهم از نظر وقف و وضعیت عمده دارند. یعنی؛ یا وقف بودن آن‌ها محرز و مشخص است و یا نامشخص. آن‌ها که وقف بودنشان مشخص است نیز چند حالت دارند. حالت نخست این‌که؛ متن وقف‌نامه و یا عنوان وقف بر روی آن‌ها نوشته شده، حالت دوم این‌که؛ فهرست مجموعه اشیاء وقفی و مشخصات آن‌ها در وقف‌نامه‌های کاغذی آمده و ارتباط اشیاء با فهرست مندرج در وقف‌نامه، برای متولیان محرز است. حالت سوم این‌که؛ هیچ نوع سند مکتوبی وجود ندارد اما از قدیم‌الایام به صورت شفاهی مسئله‌ی وقفیت شیء دهان به دهان بین نسل‌ها گشته است و به عبارتی شیء شهرت به وقفیت دارد. حالت چهارم این‌که؛ شیء یا اشیاء موجود

در اماکن مذهبی، علی‌رغم این که تاریخی هستند، اما جدیداً وقف شده‌اند و وقف آن‌ها هم زبانی بوده است و به عبارتی گروهی از مردم و متولیان، وقف شدن شیء را به خاطر دارند. حالت پنجم این که؛ مکانی مذهبی به هر دلیل از بین رفته، اشیاء آن را که به وقفیت شهرت دارند و یا وقف بودنشان محرز است، به مکان مذهبی دیگری منتقل کرده‌اند.

اما آن‌ها که مسئله‌ی وقفیت‌شان نامشخص است نیز چندین حالت دارند. حالت نخست

آن‌ها که؛ وقف‌نامه‌ای کاغذی مربوط به یک مکان مشخص وجود دارد که شامل فهرست اشیاء وقفی نیز است. در ضمن در آن مکان مشخص اشیائی نیز وجود دارند که از نظر نوع و جنس با اشیاء مذکور در وقف‌نامه مطابقت دارند، اما به دلیل گذشت مدت زمان طولانی، کسی نمی‌داند که آیا اشیاء موجود همان اشیائی هستند که در فهرست وقف‌نامه ذکر شده یا خیر؟ در این حالت مبنا را بر وقف بودن آن اشیاء می‌گذارند. حالت دوم این است که؛ اشخاصی که در سال‌های اخیر تولیت یا مدیریت حسینیه یا تکیه به آن‌ها تفویض شده، اطلاعی در مورد اشیاء قدیمی موجود در آن مکان نداشته و من‌باب احتیاط، مبنا را بر وقف بودن اشیاء می‌گذارند. حالت سوم این است



نمونه‌ای از قالیچه‌های نفیس قاجاری متعلق به تکایای گرگان

که؛ اشیائی قدیمی در مکانی چون تکیه و حسینیه وجود دارند، اما در سال‌های اخیر شخص یا اشخاصی اشیاء را به آن مکان هدیه داده و نامی از وقف نبرده‌اند. حالت چهارم این که؛ اشیائی قدیمی متعلق به مکان خاصی بوده‌اند که آن مکان به هر دلیل، از بین رفته است. اشیاء را به مکان مذهبی دیگری منتقل می‌کنند، اما مشخص نیست که آن‌ها وقف بر مکان قبلی بوده‌اند یا خیر؟ و موارد و حالات مختلف دیگری از این دست.

اما اگر اشیاء دارای وقف نامه باشند و یا به هر عنوان وقف بودن آن‌ها محرز و شرایط وقف آن‌ها نیز مشخص باشد، طبق متن وقف نامه و یا آن چه که شفهاً اقرار شده، معمولاً شروط استفاده از این اشیاء، به چند صورت خواهد بود: گاهی اشیاء برای استفاده در مکانی مشخص و به منظور مراسمی خاص وقف شده‌اند و قید شده که نباید از آن مکان بیرون برده شوند و یا در مراسم دیگری استفاده شوند. گاهی اشیاء وقف بر مراسم خاصی شده‌اند و مکان استفاده از آن‌ها به عهده‌ی متولی گذاشته شده و یا قید مکانی مشخص نشده است، گاهی تنها به استفاده از اشیاء در ایام محرم اشاره شده و در مورد مکان، زمان، مراسم خاص و نحوه‌ی استفاده از آن چیزی قید نشده، گاهی اشیاء برای برگزاری تمامی مناسک مذهبی وقف شده‌اند و هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از آن‌ها وجود ندارد. گاهی اشیاء وقف بر استفاده‌ی گروه و اشخاص معینی شده‌اند. و...

همان‌طور که گفته شد، اشیاء تاریخی متعلق به مناسک آیینی و مذهبی (اعم از معلوم الموقوفه یا مجهول الموقوفه) امروزه با مشکلات مختلفی روبرو هستند. از یک سو اغلب این اشیاء متناسب با شیوه‌های برگزاری مناسک آیینی در زمان‌های گذشته بوده‌اند و اکنون قابل استفاده نیستند و یا آن قدر فرسوده شده‌اند که از حیز انتفاع خارج شده‌اند. همچنین برخی از این اشیاء تاریخی که هنوز قابل استفاده هستند، به دلیل ارزش مادی زیادی که دارند،



نمونه‌هایی از کاسه‌های سفالی لعابدار و قاب استکان‌های برنجی متعلق به تکایای گرگان

ممکن است مورد دستبرد قرار گیرند. از سوی دیگر موانع شرعی و حقوقی وقف و اعتقادات و باورداشت‌های عامه‌ی مردم موجب شده است که؛ برخی متولیان به واسطه‌ی این که اعتقاد دارند نیت واقف استفاده از اشیاء بوده، آن‌ها را تا حد فرسایش و ازکارافتادگی استفاده می‌کنند. برخی دیگر نیز با کسب اجازه از علماء، برخی اشیاء تاریخی را که دیگر در مناسک امروزی به کار نمی‌آیند با اشیاء جدید معاوضه و یا به اصطلاح تبدیل به احسن می‌کنند. گروهی دیگر اعتقاد دارند، هر قدر هم که این اشیاء بلااستفاده باشند، باید در همان مکانی که

به آن اختصاص داشته‌اند، بمانند. به همین واسطه این اشیاء را در گوشه و کنار اماکن مذهبی بر روی هم انباشته و در وضعیت نامطلوبی نگاه می‌دارند. گروهی هم، تنها اشیائی که از نقره، مس و برنج یا سایر مواد ارزشمند ساخته شده‌اند، را دارای ارزش دانسته و برای باقی اشیاء ارزش و اهمیتی قابل نیستند. اما در مطلوب‌ترین شکل، گروهی از متولیان که به اصطلاح ارزش آثار تاریخی، و یا به قول خودشان ارزش عتیقه‌ها را می‌دانند، فضایی را برای نگاهداری اشیاء در همان مکان مذهبی مهیا می‌کنند. که هر چند این تفکر



نمونه‌ای از اجزاء فرسوده‌ی توق، دارای وقف‌نامه مورخ ۱۳۱۱ق،  
مربوط به توق‌های قدیمی گرگان

ارزشمند است و جای تقدیر دارد که با تمام محدودیت‌های موجود، به قدر توان

خود چنین اقدامی کرده‌اند، اما واقعیت این است که اغلب این اشیاء عمر مفید خود را پشت سر گذاشته و نیاز به فضایی استاندارد دارند. از این گذشته، اشیائی چون قالی‌ها و قالیچه‌های ارزشمند و سایر اشیائی که حجیم بوده و نگاهداری آن‌ها نیاز به فضای وسیعی دارد، در ویرترین‌های کوچک این اماکن مذهبی قابل نگاهداری نیستند.

دارالمؤمنین استرآباد (شهر گرگان کنونی)، شهری است دارای ساختار مذهبی، با محله‌هایی که پیرامون تکایا شکل گرفته‌اند. چنان‌که امروزه نیز، سراسر بافت تاریخی شهر گرگان را

اماکن مذهبی و به ویژه تکیه‌ها که به برگزاری آیین‌های عاشورایی اختصاص دارند، در بر گرفته است. این شهر از دیرباز تا کنون، کانون برگزاری آیین‌های بومی - مذهبی مختلفی بوده و در جریان برگزاری هر کدام از این آیین‌ها ابزار و اشیاء خاصی به کار می‌رفته است. متأسفانه علاوه بر این که کالبد تاریخی بسیاری از اماکن مذهبی این شهر دستخوش تغییرات غیر اصولی شده، در سال‌های اخیر بسیاری از اشیاء ارزشمند متعلق به این اماکن، یا تبدیل به احسن شده، یا از بین رفته، یا سرقت شده و یا در حال نابودی هستند.

این اشیاء به طور عمدۀ عبارتند از: تمامی ظرف و ظروفی که در شب‌های محرم برای طبخ و اطعام غذا استفاده می‌شده و همچنین زنگ‌ها و زنگوله‌های قدیمی، قلیان‌ها، بیرق‌های نفیس، انواع فرش‌های قدیمی اعم از قالی، قالیچه، نمد، گلیم، پلاس، حصیر، کوب و



نمونه‌ای از ظروف برنجی و مسی دارای وقننامه، متعلق به تکایای گرگان

... (در تکیه‌ها)، تمامی اجزاء و قطعات متعلق به توق‌ها (آیین توق‌بندان)، تمام اشیاء اعم از منبرهای گره‌چینی چوبی، شمعدان‌های مسی، بشقاب‌های سفالی و قاشق‌های چوبی (آیین پامنبری)، تمامی چوبدست‌ها، شش‌پره‌های برنجی، مشعل‌ها و... (آیین دسته‌چوبی) و بسیاری از اشیاء کاربردی و تزئینی دیگر،

که صرف نظر از آن‌چه که از بین رفته یا

مفقود شده‌اند، آن‌ها که هنوز باقی است در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. در بین این اشیاء آن‌چه که بیش از همه در معرض خطر است، عبارتند از فرش‌هایی که شدیداً در معرض ساییدگی، پارگی و همچنین پوسیدگی بوده و نیز منبرهای چوبی مزین به تزئینات متنوع گره‌چینی که؛ یا در مراسم پامنبری، بر اثر حرارت شعله‌ی شمع‌های روشن می‌سوزند و یا در ایامی که استفاده نمی‌شوند، در معرض خطر سرقت هستند.

با توجه به تعدد این میراث ارزشمند که شدیداً در معرض خطر هستند، لازم است که در برخی مسائل شرعی بازبینی مجدد شده، متولیان و اداره‌کنندگان اماکن مذهبی، آموزش ببینند و برای نگاهداری و ساماندهی این اشیاء، مکانی مناسب با عناوینی چون گنجینه‌ی میراث وقف یا گنجینه‌ی میراث محرم، احداث شود.